

تضاد ریشه ای اسلام با دموکراسی و حقوق بشر

تفاوت عظیم و یا عبارت ساده تر تضاد اسلام با دموکراسی غربی ، ریشه در اختلافی دارد که بین حقوق غربی و مدرن و حقوق اسلامی نهفته می باشد . در این مقاله سعی شده ابتدا مطالب فشرده ای از تعاریف دموکراسی غربی و "حقوق اجتماعی ترسیم گردد و پس از آن مباحث حقوق اسلامی نقد و بررسی شود ، مقایسه این دو تفکر ما را راحت تر به درک واقعی ستیز اسلام با حقوق بشر و دموکراسی رهنمون می سارد .

حقوق اروپایی را اگر بخواهیم به شکل تاریخی و عمیق مورد دقت قرار دهیم ، از افلاطون و کتاب جمهوریت او شروع می کنیم ، هدف افلاطون از این کتاب ایجاد مدینه فاضله (اتوپیی) و برقراری عدالت بود . اما پایه های عدالتی که او مبلغ آن بود ، بر جهان بینی و نظرات مذهبی و اخلاقی یونانیان قرار داشت . مفهوم عدالت از نظر افلاطون این بود که هر یک از شهروندان اعم از سرباز ، پیشه ور ، برده ، برده دار و حکمران ، به کار خویش مشغول باشند و در امور طبقات و قشرهای دیگر دخالت نکنند ، سرنوشت هر انسان توسط قضا و قدر تعیین شده . از سوی دیگر ارسطو ، دولت را عالی ترین نوع جامعه و خیر مطلق می دانست ، او معتقد بود که انسان بدون قانون از حیوان پست تر است ، وجود قانون متکی به دولت است . در جایی دیگر سیسرون که در زمان خود عنوان برجسته ترین حقوقدان رومی را داشته نظریاتی این جهانی داشت و هدف او تجدید جمهوری مشروطه بود ، بر مبنای نظر او حقوق جاودانی باعث برابری همه مردم با یکدیگر می شود . دولت یک جامعه اخلاقی است . در ادامه نظرات متفکران و اندیشمندان ، می توان به ماکیاول ، برتراند راسل ، ژان بدن ، جان لاک ، دکارت ، منتسکیو اشاره کرد . آن وایت هد یکی از فیلسوفان هم عصر برتراند راسل می گفت : هدف جیوردانو برونو و رنج او بخاطر علم نبود ، برونو در راه آزادی تفکر مبارزه می کرد .

یا جمله معروف دکارت ، می اندیشم پس هستم . در حکم انسان را به جای خدا قرار دادن بود . ولتر یکی از طرفداران و پایه گذاران آزادی مدنی و نهادی سیاسی و حقوقی بود . کتاب معروف روح القوانین اثر منتسکیو با تاکید بر حقوق طبیعی آغاز شده بود : قانون عبارت است از روابطی لازم که ناشی از طبیعت اشیاء می باشد . ژان ژاک روسو در کتاب قراردادهای اجتماعی بر دو مسئله مهم یکی حقوق محدود ناپذیر فرد و دومی اراده عامه تاکید دارد . با نظری اجمالی و فشرده به مطالب فوق به این مسئله دست می یابیم که در تفکر اندیشمندان اروپایی از عصر سیسرون تا قرن نوزدهم ، رفته رفته این حقوق طبیعی و انسان است که جایگاه عصر حجر حقوق الهی را از آن خود می گرداند و بمرور تفکر خرد ستیز را از صحنه زندگی سیاسی ، اجتماعی ، فلسفی و علمی دور می سازد . در یک جمله می توان گفت : طبق تفکر حقوق اروپایی یا غربی قانونگذار انسان است و نه خدا . از سوی دیگر و در عین حال شگفت انگیز که افلاطون مفهوم آرمانشهر را از اندیشه " شهریار آرمانی " ایرانی - زرتشتی برگرفته است . می توان این نکته را افزود که ، با بررسی بیشتر اندیشه های ایران کهن به این نتیجه رسید که خرد نیک در گیتی فرمان می راند و سرانجام بر کاستی ها چیره می شود . در مقایسه با آئین الهی اسلامی که خدا را قانونگذار می داند باید توجه کرد که مهم ترین اصل در سامان اجتماعی - سیاسی زرتشت آن است که خرد به انسان داده شده تا خود و نه خدا یا فرمانروا یا هر نخبه دیگر ، نیک و یا بد را برگزیند . اما خصوصیات حقوق اسلامی و الهی و اصلی ترین ویژگی و جوهر آن از قوانین قرآن نشئت گرفته که میتوان آنرا بر دو محور حیاتی و مهم تقسیم نمود . اول اینکه تعالیم قرآنی مطرح می کند که قانونگذار خدا است و نه انسان و حتی پیامبر حق قانونگذاری ندارد . دوم اینکه قوانین الهی درج شده در قرآن تغییر ناپذیر ، جاودانی و متعلق به تمام مکانها و زمانهاست .

برخلاف تفکر قرآنی اندیشه ایران کهن تاکید می نماید که قانونها تغییر ناپذیر نیستند و انسان با اراده آزاد و یا اختیار و حق مسلم آزادی گزینش ، مسیر خویش را تعیین می

نماید ، و به یاری خرد و منش مدارا جویانه ، برخورداری صلح جویانه را در پیش می گیرد ، بطور اصولی ما سه اصل روشنی گری اروپا یعنی (آزادی ، مدارا و استقلال فردی در قراردادهای اجتماعی) را در ایران کهن باز می یابیم .

به قول فردوسی :

مگرد هیچگونه به گرد بدی
هرآنکس که او شاد شد از خرد
زمانی میاسای از آموختن
به بیان دیگر در تفکر ایران کهن و زرتشتی انسان از راه خرد ، توانائی دارد که به هر گونه شناخت در زندگی دست یابد و با نیروی خرد می تواند روح راستی ، روشنی و آفرینندگی را از دروغ ، تاریکی ، جزم اندیشی نگهبانی نماید و در نهایت به سرای شعر ، آهنگ ، عشق رهنمون شود . بهر رو قبل از اندیشمندانی چون فیثاغورث و ارسطو و صدها متفکر اروپایی دیگر ، این آئین خردگرای ایران کهن بود که بر اصل انسانیت و خرد ، آزادی و استقلال تاکید می نمود و قانون و قانونگذار را بر اساس اراده آزاد و اختیار فرد بنیاد می نهاد . به عبارت ساده تر ، و انسان است که قانونگذار است نه ایزد و نه الله و یا یهوه و پدر .

کاونده این مجموعه سعی کرده بطور فشرده و با استفاده از آیه های قرآن و سنت های اسلامی ، این بحث را مورد بررسی و موشکافی قرار دهد ، تا خواننده این سطور به راحتی به تضاد اسلام و حقوق اجتماعی و دموکراتیک دست یابد . قبل از شروع این بحث باید یاد آوری نمود که کاونده این مطالب فرض محال را برین گرفته که اسلام فقها در ایران ، افغانستان ، عربستان ، سومالی ، سودان ربطی به دین اسلام و قوانین الهی ندارد و سر تا پا جعلی است . اما مدعیان اسلام راستین که خود را منتقد رژیم عصر حجری اسلامی میدانند ، آیا می توانند در اصالت و صحت قرآن شک نمایند ، و اگر ما قرآن را حذف کنیم . دیگر چیزی به نام اسلام باقی خواهد ماند . آیا می توان منکر آن شد که حجاب اسلامی نخست در سوره احزاب آیه 53 تا 55 آمده و سپس به سایر کتب اسلامی سرایت کرده ، که آیا می توان نپذیرفت که حقوق و موقعیت زنان ، چند همسری ، تنبیه جسمی زن توسط شوهر و نخست در سوره نساء آیه های 1 تا 35 آمده ، می توان منکر آن شد که امر به معروف و نهی از منکر ابتدا در سوره توبه آیه 112 آمده و سپس مورد دست اویز انصار حزب الله واقع شده ، که قصاص و حدود و تعزیر اول بار در سوره نور آیه های 2 تا 10 و سوره نسا آیه های 1 تا 35 آمده . آیا می توان منکر آن شد که خمینی ، ملاعمر ، بن لادن و سایر امیرالمومنین های دنیای اسلام ، مجری قوانین الهی بودند و تمام اعمال آنها از جمله بریدن دست و پا و سر ، سنگسار ، قصاص ، چیزی جز اوامر الهی نبوده . طرفداران اسلام راستین بخوبی آگاه هستند ، هیچ فرد مسلمانی نباید در صحت قرآن تردیدی بخود راه بدهد . به همین رو و برای اثبات نظریه خود به اختصار و کوتاه برخی از قوانین الهی و تزه های ضد دموکراتیک و غیر حقوق بشری را که در 32 سوره و بیش از 200 آیه در قرآن تنظیم شده را مورد بررسی قرار می دهیم !!

در قرآن قانونگذار الله است . به این نمونه ها توجه فرمائید :

- قانون (سنت) خدا هرگز مبدل نخواهد شد و طریقه حق و سنت الهی هرگز تغییر نمی پذیرد . (سوره فاطر آیه 43)

- کلام خدای تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسید و هیچ کسی تبدیل و تغییر آن کلمات نتواند کرد . (سوره انعام آیه 115)

- امر آن به دست من (پیامبر) نیست . فرمان جز خدا را نخواهد بود و او بحق دستور می دهد . (سوره انعام آیه 57) این آیه هر چند نه از دهان الله بلکه از طرف محمد گفته می شود . حتی او حق قانونگذاری ندارد چه رسد به انسانهای حقوقدان و

کارشناس مسایل قانونی فقط الله و بس .

- خدا سرپرست مردم است ، (سوره آل عمران آیه 68)

- او (یعنی خدا) نگهبان عدل و درستی است . (سوره آل عمران آیه 18)

- ما در کتاب قرآن بیان هیچ چیز را فروگذار نکرده ایم . (سوره انعام آیه 38)

- اطاعت کنید از خداوند و پیامبر و والیان امر . (سوره نساء آیه 59)

- هر کس غیر از اسلام ، دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است . (سوره آل عمران آیه 85)

- همین آیه بخوبی درجه دمکرات بودن الله و جانشینان او را نشان میدهد .

- مردان و زنان مومن نماز به پا می دارند و زکوة می دهند و حکم خدا و رسول را اطاعت می کنند . (سوره توبه آیه 71)

از همین روست که آیت الله علامه محمد حسین طباطبایی در دو اثر خویش ، قرآن در اسلام صفحه 115 تا 120 و شیعه در اسلام صفحه 85 با تکیه بر چند آیه قرآن از جمله آیه 163 سوره نساء . از جاودانی بودن و غیر قابل تغییر بودن قوانین الهی دفاع نموده است .

امام علی خطبه 18 از نهج البلاغه را به دفاع از قوانین ابدی و تغییر ناپذیر الهی اختصاص داده و با تکیه به آیه 38 از سوره انعام و آیه 89 از سوره نحل اظهار داشته که این قوانین در قله تکامل قرار دارند و اگر در مرحله اجرای آنها اشکالی پیش آید . نقص از مجریان قانون است و نه از خود قانون قرآن .

خمینی در کتاب ولایت فقیه مدعی است که قانون مشروطیت ایران زاده وسوسه انگلیس و رونویس قانون فرانسه ، بلژیک و انگلیس بود و از نظر اسلام ارزشی ندارد . اسلام برای تمام امور ، قانون و آداب آورده است و اسلام برای انسان از آن هنگام که نطفه اش در رحم مادر بسته می شود ، تا هنگامیکه به گور می رود قانون وضع کرده است . تفاوت اساسی حکومت اسلامی با مشروطه سلطنتی و جمهوری در این است که در آنها مردم یا شاه و مجلس قانونگزاری می کنند ، در حالی که قوه مقننه در اسلام به خداوند اختصاص دارد و نه به انسان . حتی شخص پیامبر در قانون الهی دخالت ندارد و تابع اراده الهی است . (پایان نقل قول)

آیت الله خمینی در کتاب کشف الاسرار صفحه 292 چنین می گوید : قوانین اسلام را خداوند جهان برای همیشه فرستاده و برای همه اقوام بشر نازل کرده است . این اسلام تمام قوانین دیگر عالم را که از مغزهای سفلیسی مثنی بی خرد درآمده باطل کرده است و هیچ قانون دیگری را در جهان قانون نمی داند .

او در همان کتاب صفحه 222 چنین می گوید : " قانون مجلس ما باید تشریح قوانین خدائی باشد تا روشن شود که قانون اسلام در تمدن جهان پیش قدم همه قانون هاست و با عملی شدن آن مدینه فاضله تشکیل می شود " . در مورد ساده ترین امور زندگی روزمره آدمیان ، اسلام از آنان سلب اختیار و آزادی کرده و حتی در مسایلی مانند مسکن و خوراک و پوشاک و کشت و کار هیچ سهمی برای آنان منظور نشده است ، امری که امروزه بخوبی در رژیم عصر حجری اسلامی مشاهده می کنیم . به چند نمونه زیر توجه نمائید .

- ای کسانی که ایمان آورده اید ، به خانه پیامبر داخل نشوید مگر آنکه خود او اجازه آنرا داده باشد . بر سر سفره اش ننشینید مگر آنکه خود او شما را دعوت کرده باشد . وقتی هم که دعوت شدید زودتر از وقت مقرر نیائید ، پس از صرف طعام بروید ، چون ماندنتان باعث آزار پیامبر است (احزاب آیه 53)

- آنهائیکه پیامبر را با بانگ بلند می خوانند مردمی بی شعور هستند (هجرات آیه ها 1 تا 5) .

در مورد عدل و داد و آزاد اندیشی خدا می توان از موارد زیر نام برد .

- خداوند هر کس را بخواهد به گمراهی می کشاند و هر کس را بخواهد هدایت می کند . (سوره ابراهیم آیه 4 ، انعام 125 ، رعد 27 ، اعراف 155 ، فاطر 8 ، نحل 9 ، یوسف 110)

هر که را بخواهد فهم میدهد و هر که را که نخواهد نمی دهد . (بقره 272 ، 269 ،

- هر که را بخواهد مسلمان کند دلش را به اسلام مایل می گرداند و هر کس را نخواهد دلش را در پذیرفتن ایمان سخت می گرداند . انعام ، (25) . کهف ریال 57 . بقره ، 70)

- هر که را بخواهد عزیز می کند و هر که را بخواهد ذلیل می گرداند ، به هر کسی که بخواهد همه چیز می دهد و از هر کس که بخواهد همه چیزش را می گیرد . (آل عمران 26 . اسراء 30 و 21)

- برگی از درختی فرو نمی افتد که ما بر آن آگاه نباشیم و دانه ای در زیر تاریکی زمین نیست که در لوح محفوظ ما ثبت نباشد . (انعام 59)

- ما بعضی از مردم را بر بعضی دیگر برتری دادیم تا عده ای از آنها عده دیگری را به خدمت خود گیرند . (زخرف آیه 32)

- چرا این قوم جاهل فاقد بصیرت هستند . (نساء 78)

- برای سواری شما کشتی ها را خلق فرمودیم تا چون بر آنها سوار شوید شکر نعمت ما را بجا آورید (زخرف 12) و اگر اراده کنیم باد را فرو می نشانیم تا کشتیها از حرکت بایستد . (شوری 32) .

در مورد حقوق زنان می توان به اختصار از این سوره ها و آیه ها نام برد .

سوره احزاب از آیه 28 تا 34 ، یا مثلاً "سوره احزاب آیه 51 چنین می گوید : تو ای رسول لازم نیست در همبستری شدن با زنان خود ، نوبت آنانرا رعایت کنی . هر یک از آنها که مایل به او نبودی نوبت را عقب بینداز و اگر دوباره مایل شدی او را نزد خود بخوان . هیچکدام از آنها نباید ناراضی باشند و همه باید از آنچه تو ، به آنان عطا می کنی راضی باشند .

از دخالت و قانونگزاری الله حتی در کار پیامبر خود به نمونه زیر می توان اشاره کرد ، محمد پیامبر اسلام در مورد عمل زشتی که در مورد ماریه قبطی کنیز حفصه انجام داده بود . شرمگین می شود و ماریه را بر خود تحریم می کند ، اما الله بداد او می رسد و در سوره تحریم از آیه 1 تا 5 چنین می گوید : برای چه پیامبر ، آنچه که من بر تو حلال کردم تو بر خود حرام می کنی .

و صدها آیه دیگر در همین موارد که به شکل تیتروار در زیر آورده می شود .

حقوق و موقعیت زنان (سوره نساء آیه 59) ارث (سوره نساء آیه های 1 تا 35) خمس و زکوٰه (سوره انفال آیه 41 سوره توبه آیه 104) امر به معروف و نهی از منکر (سوره توبه آیه 112) حجاب (سوره احزاب آیه های 53 تا 55) قصاص (سوره نور آیه های 2 تا 10 ، سوره نساء آیه 1 تا 35) جهاد (سوره توبه آیه های 29 تا 73) یکی از متفکرین به اصطلاح مترقی اسلامی آیت الله مرتضی مطهری بود که در کتاب ختم نبوت صفحه 55 این طور بیان می کند :

در طبیعت ، پدیده ها متغیر هستند نه قانون ها ، اسلام ، قانون است نه پدیده ، او هم چنین در کتاب دیگر خود بنام پیرامون انقلاب اسلامی صفحه 106 می نویسد :

اسلام با آنچه در جهان غرب حقوق طبیعی ، آزادی فردی و حقوق بشر نام دارد از ریشه مخالف است . این آیت الله گویی در تأیید تمام تلاشی که کاونده این مقاله بکار گرفته تا به اطلاع همه خرد گرایان برساند که : اسلام از ریشه در تضاد با دموکراسی حقوق بشر است ، بنحو شگفتی آور مهر تأییدی بر گفته های همه منتقدین اسلام زده و چهره ضد دمکراتیک اسلام را آشکار می کند .

او در جای دیگر پا را از این نیز فراتر می گذارد و در صحت آزاد اندیشی کوروش که به پدر حقوق بشر نزد همه جهانیان شهرت دارد ، در همان کتاب می نویسد :

پیامبر همان کاری را نکرد که کوروش در بابل انجام داد . (یعنی اهالی بابل را آزاد گذاشت تا به هر دین و آئینی که هستند وفادار بمانند ، تاکید از نگارنده)

پیامبر با خرد کردن بت ها ، آزادی واقعی را به مردم ارزانی کرد . دمکراسی در اسلام یعنی انسانیت رها شده ، حال آنکه دموکراسی در فرهنگ غرب به معنای حیوانیت رها شده است . پایان نقل قول

به هر روی طبق این ضرب المثل معروف . عاقلان دانند . این مردم دنیا است که امروز

قضاوت می کنند که در کدام نظامها حیوانیت رها شده و در کجا انسانیت . اکنون جا دارد که مجدداً به ابتدای این مطلب باز گردیم ، که با آوردن فشرده ای از تفکر اندیشمندان اروپایی و غربی به این نتیجه گیری رسیدیم که :

در حقوق غربی قانونگذار انسانست و نه خدا ، و کاملاً برعکس این مطلب در اسلام می باشد که این بار قانونگذاری کار خداست و همه چیز به او اختصاص دارد ، نه انسان و حتی پیامبر فرستاده شده از جانب خدا در مورد قانونگذاری هیچکاره است . آیت الله خمینی در کتاب معروف کشف الاسرار خود در رابطه با قوانین ثابت و غیر قابل تغییر الهی در صفحه 315 چنین می گوید : قانونهای کلی اسلام مانند قانون مالیات و قضا و نظام و قانون ازدواج و طلاق و قوانین مجازات عمومی مانند حدود و قصاص و قانون جلوگیری از ساز و نواز و زنا و لواط و قوانین تطهیر و تنظیف و وضو و غسل و امثال آنها قوانین ثابت ولایتغیر الهی است .

البته ناگفته نماند که در همین جمهوری اسلامی و حکومت نایب امان زمان و طی 25 سال حاکمیت عصر حجری آن ، اکثر این قوانین الهی دچار تغییر و تحول شدند . در صفحه 107 کتاب کشف الاسرار ، آیت الله خمینی این نابغه قرن در کشتار و دروغ و ویرانی چنین ادامه میدهد : پیغمبر که برای مستراح رفتن و مجامعت کردن و شیردادن ، چندین حکم خدائی و فرمان آسمانی آورده ، برای هیچ چیز کوچک و بزرگ نیست که تکلیف معین نکرده باشد .

اما در تاکید بر اینکه قانون گذار کیست ؟ حزب التحریر در تاریخ 8 شهریور 58 بیانیه ای خطاب به مجلس خبرگان انتشار داد که بخش کوچکی از آن به شرح زیر می باشد .

- در اسلام ملت حق حاکمیت و حق قانونگذاری را ندارد ، بلکه این حق ، حق خلیفه یا امام است که خداوند او را رئیس مردم و صاحب اختیار تام در قبول احکام و حکومت بر مردم قرار داده است ، اگر نمایندگان ملت به بحث و بررسی بپردازند و رأی خود را بدهند ، این رأی برای خلیفه یا امام الزام آور نیست . خلیفه خودش دولت است .

- بغیر از منزلگه اسلام ، تمام کشورها منزلگه کفر است که نظامهای کافرانه را به مرحله اجرا می گذارند .

- زبان رسمی جمهوری اسلامی که فارسی در نظر گرفته شده است تناقض با اسلام است ، زیرا اسلام دارای فقط یک زبان است و آنهم عربی است که زبان قران و احادیث است . بنابراین زبان کشور باید زبان عربی باشد .

خمینی در گورستان بقیع قم 18 اسفند 57 در مورد دمکراسی چنین اظهار فضل نمودند : آنها که در نوشتجات خودشان دم از دمکراسی می زنند یا جاهلند و نفهم یا عامدند و خائن !!!

در خطاب به نمایندگان مردم تبریز در تاریخ 28 شهریور 58 در شهر قم چنین می گوید :

این نوشته ها ، این نطقها ، این کارهای خلاف ، این برنامه های دمکراسی ، کناره گیری از اسلام است . هر ندایی که پیدا بشود از کفر است ، از زندقه است .

در عصر کنونی یعنی دنیای تمدن ، علم و پیشرفت و دوران اینترنت ، فضانوردی و تکنولوژی باید دید که کدام یک از تبیین های فوق در جهت رشد و تکامل و تعالی انسان ، پیشتاز بوده اند . بعبارت ساده تر ، اسلام و قوانین الهی ، یا علم و خردگرایی . خدا ، یا انسان ...

نویسنده دانشمند و شجاع ایرانی ، دکتر الف . ب در کتاب با ارزش خود با عنوان ، و انسان خدا را آفرید ، به ریشه پیدایش همه ادیان پرداخته . خواندن این کتاب به همه مهربان یاران خردگرا توصیه می شود .

در ضمن بخشی از این مطلب برگرفته شده از جزوه ، چرا رژیم ولایت فقیه از ریشه با اصول دموکراتیک در تضاد است ؟ می باشد